

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 2, Spring 2021, 161-177
Doi: 10.30465/crts.2020.29468.1720

The Critique of *Aliat Al-Tawil Al - Simiaee*

Mohsen Seifi*

Elham Baboli Bahmeh**

Abstract

Semiotics is one of the branches of modern literary criticism in the twentieth century that examines the signs and the relationships between them in literary texts and their function in conveying the message between the author and the reader. The book *Aliat al - Tawil al - Sima'iyya* by Musa Rabbabiyah is one of the works that tries to achieve the following subtle and profound layers of textual construction by passing through some semiotic tools and passing through the superstructure of the text. In the light of the importance of the issue, the present article tries to explain the weaknesses and shortcomings of the desired work in a descriptive - analytical way and with a content critique approach, while examining and stating some of the strengths of this book. The results of the study indicate that this work has been very successful in the first three chapters in the field of metaphor and cryptography as two tools of semiotics and has provided good analyzes by selecting appropriate poetic examples. But, the book's inconsistency with the content and not directly addressing all semiotic tricks, including paradox, mask, arithmetic, norm-breaking, myth, lack of balance between chapters, and a brief reference to the critique of semiotics in the novel one of the most important shortcomings of this book.

Keywords: Criticism, Semiotics, Musa Rabbabeah, *Aliat Al-Tawil Al-Simiaee*.

* Assistant Professor of Arabic Language and Literature, University of Kashan, Iran (Corresponding Author),
motaseifi2002@yahoo.com

** PhD Candidate of Arabic Language and Literature, University of Kashan, Iran, baboli.elham@yahoo.com

Date received: 11/11/2020, Date of acceptance: 03/04/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیست‌ویکم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۰، ۱۶۳-۱۷۷

کتاب آلیات التأویل السیمیائی

(ابزارهای تفسیر نشانه‌شناسی) در بوتۀ نقد

محسن سیفی*

الهام بابلی بهمه**

چکیده

دانش نشانه‌شناسی یکی از شاخه‌های نقد ادبی جدید در قرن بیستم است که به بررسی نشانه‌ها و روابط میان آن‌ها در متون ادبی و کارکردشان در انتقال پیام میان صاحب اثر و خواننده می‌پردازد. کتاب *آلیات التأویل السیمیائی*، نوشته موسی رباعه نیز از جمله آثار است که می‌کوشد تا از ره‌گذر برخی ابزارهای نشانه‌شناسی و با عبور از روساخت متن نمونه‌هایی از ادب معاصر عربی به لایه‌های زیرین و ژرف‌ساخت متن دست یابد. در پرتو اهمیت مسئله، مقاله حاضر می‌کوشد به‌روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد نقد محتوا، ضمن بررسی و بیان برخی از نقاط قوت این کتاب، نقاط ضعف و کاستی‌های اثر موردنظر را تبیین کند. نتایج بررسی حاکی از این است که این اثر در سه فصل اول در مبحث استعاره و رمز به‌مثابه دو ابزار نشانه‌شناسی تاحدود زیادی موفق عمل کرده است و با انتخاب نمونه‌های شعری مناسب تحلیل‌های خوبی ارائه داده است. اما ناهماهنگی عنوان کتاب با محتوا و نپرداختن مستقیم به همه شگردهای نشانه‌شناسی از جمله پارادوکس، نقاب، حس آمیزی، هنجارگریزی، اسطوره، عدم رعایت توازن میان فصل‌ها، و اشاره گذرا به مقولۀ نقد نشانه‌شناسی در رمان از مهم‌ترین کاستی‌های این کتاب است.

کلیدواژه‌ها: نقد، نشانه‌شناسی، موسی رباعه، *آلیات التأویل السیمیائی*.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)، motaseifi2002@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، baboli.elham@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

دانش نشانه‌شناسی یا «علم العلامات و علم الإشارات» یکی از شاخه‌های نقد ادبی جدید در قرن بیستم است که به بررسی نشانه‌ها و روابط میان آن‌ها در متون ادبی و کارکردشان در انتقال پیام میان صاحب اثر و خواننده می‌پردازد. این رویکرد نقدی به سرعت جای خود را در نقد معاصر فارسی و عربی باز کرد و ناقدانی چون فرزانه سجودی، بابک احمدی، کوروش صفوی، محمد مفتاح، عبدالسلام المسدی، احمد المتوکل، محمد البقاعی، و سعید بنکراد با تأثیرپذیری از نظریه‌پردازانی چون گریماس، پیرس، امبرتو اکو، سوسور، و... دست به تألیف آثار متعددی در این موضوع زدند.

گرچه برخی از مباحث نشانه‌شناسی شعر چون رابطه میان دال و مدلول، نماد، حس‌آمیزی، و متناقض‌نما در لابه‌لای کتب نقدی عربی قدیم نیز ذکر شده است، بررسی روش‌مند متون شعری براساس این مکتب نقدی تنها با بهره‌گیری از مبانی و روش‌های ارائه‌شده از سوی پیش‌گامان غربی آن میسر است. البته نشانه‌شناسی نثر (قصه و رمان) نیز مقوله‌ای پیچیده و دشوار است که پیشینه‌ای روش‌مند در نقد عربی قدیم ندارد و این امر کار ناقدان جدید عربی را سخت‌تر می‌کند.

نقدکردن یک اثر با سخن به معنی نمایاندن عیب‌های پنهان آن اثر است. در مفهوم نقد و انتقاد معنایی چون طلب، بی‌طرفی، بررسی، به‌دست‌گرفتن، ازهم‌جداکردن نهفته‌ها و بیرون‌کشیدن آن‌هاست (صاد ۱۳۹۲: ۱۳). جایگاه ارزنده‌ای که بررسی منتقدانه آثار ادبی دارند باعث شده است نقد ادبی در عرصه ادبیات به‌طور ویژه‌ای مورد توجه قرار گیرد؛ چون از این وادی هم نویسنده و تهیه‌کننده مطلب اصلی با برملاشدن نقاط ضعف و قوت کارش بهره می‌برد و هم منتقد و تحلیل‌گر از طریق پی‌بردن به ماهیت ریزه‌کاری‌های تحقیق و دشواری‌های آن و نیز روش‌هایی که در تأمین این ریزه‌کاری‌ها یا مقابله با دشواری‌ها ضرورت دارد بینش و آگاهی می‌یابد (نادری و سیف نراقی ۱۳۷۳: ۲۳۹).

فایده نقد کتاب از وظیفه آن جدا نیست و سودمندی آن بستگی دارد به حسن انجام وظیفه. استاد زرین‌کوب فایده نقد را در دو چیز خلاصه می‌کند: تهذیب ذوق عامه، و تربیت فکر نویسنده که بی‌شک عمده‌ترین فواید نقد همین است. نقد کتاب اگر صحیح و سالم باشد، در تعیین ارزش و سرنوشت بسیاری از کتاب‌ها عالی‌ترین مرجع است (کتاب نقد و نقد کتاب ۱۳۸۶: ۱۷-۱۸).

۲. روش و سؤالات پژوهش

شیوه پژوهش توصیفی - تحلیلی و براساس روش نقد محتواست. نگارنده در بحث حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤالات است که نقاط قوت، ویژگی‌های برجسته، نقاط ضعف، و نارسایی‌های کتاب مورد مطالعه چیست؟ آیا میان عناوین اصلی و فرعی کتاب تناسب معقولی وجود دارد؟ آیا عنوان پژوهش دلالت بر محتوای کتاب دارد؟

۳. پیشینه تحقیق

در زمینه نقد نشانه‌شناسی، آثار فراوانی به زبان عربی منتشر شده است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

محمد سالم سعدالله (۲۰۰۷) در کتاب خود به بررسی ارتباط میان نشانه‌شناسی و مباحث بلاغی، چون تشبیه و استعاره، پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که حلقه اتصال میان نقد نشانه‌شناسی و میراث نقدی کهن عربی را می‌توان در ویژگی‌های حروف، دانش بلاغت، مسئله دال و مدلول، و نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی یافت. وی معتقد است که در مبحث مجاز، تشبیه تمثیلی، و استعاره با کشف ارتباط میان اجزای کلام توانسته است بنیان نشانه‌شناسی را پایه‌ریزی کند.

آن اینو و دیگران (۲۰۰۸) در کتاب خود به مهم‌ترین اصول نقد نشانه‌شناسی، تاریخچه و سیر تطور، نشانه‌شناسی ادبیات، قضیه تحلیل گفتمان و نقش گرماس در تکامل این شاخه نقدی و معرفی مکتب نشانه‌شناسی پاریس پرداخته‌اند. بر این باورند که نشانه‌شناسی نقش انکارناپذیری در شکل‌گیری و تحلیل گفتمان‌های تاریخی، دینی، اسطوره‌ای، و سیاسی دارد و با کمک آن می‌توان به لایه‌های پنهان گفتمان جوامع و ایدئولوژی حاکم بر آن دست یافت.

سعید بنکراد (۲۰۱۲) در کتاب خود به مفاهیم نشانه‌شناسی و کاربردهای آن پرداخته است و در فصول هشت‌گانه آن مباحث مهمی چون پیش‌گامان نقد نشانه‌شناسی در غرب، تعریف رمزگان شعری، نشانگان، کد و رمز و رمزگشایی از آلبوم عکس‌ها، زبان بدن، و رابطه میان نشانه‌شناسی و زبان بدن را گنجانده است. او در فصل پایانی تعدادی از اصطلاحات نشانه‌شناسی را تفسیر کرده است. باوجود این، جایی برای بررسی نشانه‌شناسی نمونه‌های شعری نمی‌توان در کتاب او پیدا کرد.

فاطمه زهره شرشار (۲۰۱۷) در پایان‌نامه خود به تاریخ نشانه‌شناسی، نقد، و آسیب‌شناسی برخی کتاب‌های نقدی معاصر عربی با محوریت نشانه‌شناسی پرداخته است.

وی عقیده دارد که در نقد عربی معاصر کم‌تر به نشانه‌شناسی رمان توجه می‌شود و شاید یکی از دلایل آن طولانی‌بودن حجم رمان و عدم امکان تقسیم آن به چرخه‌هایی است که بتوان به تحلیل و نقد نشانه‌شناسی آن پرداخت. او در ادامه راه‌حلی را از قول رشیدبن مالک ارائه می‌دهد که برای برون‌رفت از این مشکل می‌توان رمان‌ها را براساس فصل‌های مختلف آن تحلیل کرد، البته این امر در مورد همه رمان‌ها صادق نیست.

بررسی عناوین و محتوای پژوهش‌های یادشده القاگر این مسئله است که تاکنون پژوهنده‌ای کتاب *آلیات التاویل السیمیائی*، نوشته موسی رباعه، را مورد نقد و بررسی قرار نداده است و پژوهش حاضر برای اولین بار به این امر مبادرت می‌ورزد.

۴. معرفی کتاب *آلیات التاویل السیمیائی*

کتاب *آلیات التاویل السیمیائی* در سال ۲۰۱۱ میلادی در انتشارات آفاق کویت در ۲۱۵ صفحه به چاپ رسیده و در یک مقدمه و بخشی با عنوان «إضاءه وتنویر» و پنج فصل اصلی نگاشته شده است. فصل اول با عنوان «آلیات التاویل السیمیائی» به بررسی دو نمونه شعری از امل دنقل و ابراهیم نصرالله از منظر نشانه‌شناسی و بیان رابطه میان دال و مدلول در آن‌ها پرداخته است. نویسنده در فصل دوم با عنوان «سیمیائیة الاستعارة» استعاره‌های موجود در سروده «اول النقش» محمد القیسی را استخراج می‌کند و نقش آن‌ها را در بافت شعری موردکاوی قرار می‌دهد. فصل سوم با عنوان «سیمیائیة اللون فی شعر عبدالوهاب البیاتی» به بررسی رنگ‌ها و رمزگشایی از آن‌ها در برخی دفترهای شعری عبدالوهاب البیاتی اختصاص دارد. نویسنده در فصل چهارم با عنوان «فضاء المدینة فی شعر ابراهیم نصرالله» به بررسی دلالت مکان در شعر ابراهیم نصرالله به محوریت «المدینة» در سه قصیده با همین عنوان پرداخته است. زمان و مکان و دلالت‌های آن‌ها موضوع فصل پنجم کتاب با عنوان «فضاءات العمل الروائی: صمت یتمدّد نمودجا» است که به رابطه میان زمان و مکان در این اثر از سلیمان الشطی اشاره می‌شود.

۵. ادبیات نظری پژوهش

نویسنده کتاب *آلیات التاویل السیمیائی* بر آن است تا با بهره‌گیری از ابزارهای نقد نشانه‌شناسی خوانش جدیدی را از نمونه‌هایی منتخب ادبیات معاصر عربی فراروی مخاطب قرار دهد. از این‌روی، پژوهش‌گران درصددند تا درباره علم نشانه‌شناسی و تکنیک‌های آن مطالبی مختصر را جهت آگاهی بیش‌تر به مخاطب ارائه دهند.

نشانه‌شناسی (semiotic) روش نقد و بررسی نشانه‌ها در ادبیات و زبان است. «این روش در تحلیل متون به بررسی رابطه میان دال‌ها و مدلول‌ها و پی‌گیری حرکت دال‌ها در ژرف‌ساخت متن می‌پردازد تا از این ره‌گذر به ارزش نشانه‌ها و پویایی آن‌ها در متن پی ببرد» (سعدالله ۲۰۰۷: ۲).

هرچند نخستین جرقه‌های نقد نشانه‌شناسی را فردینان دوسوسور، زبان‌شناس مشهور سوئیسی، زد، چارلز ساندرز پیرس، فیلسوف و ناقد مشهور آمریکایی، الگویی ارائه داد که نشانه را سه‌وجهی می‌دانست:

- نمود (represent amen) صورتی که نشانه به خود می‌گیرد؛
- تفسیر (interpret ant) معنایی که از نشانه حاصل می‌شود؛
- موضوع (object) که نشانه به آن ارجاع داده می‌شود (سجودی ۱۳۸۲: ۳۰).

باتوجه به ویژگی‌های خاص نشانه‌شناسی در حوزه ادبیات تفسیر یک متن ادبی براساس این دانش برحسب معیارهای ادبی سنجیده می‌شود. از آن‌جاکه ادبیات به‌طور عام و شعر به‌طور خاص بیش‌تر با نماد پردازی و نشانه‌ها سروکار دارند، دریافت مقصود نهایی کلام شاعر پس از گشودن کدهای متن و رمزگشایی از نشانگان آن در دسترس خواهد بود. «نشانه‌های شعر در مقابل نشانه‌های آوایی زبان عادی نشانه‌های معنایی هستند؛ چراکه اصولاً شعر مصداق‌گریز است و نشانه‌های به‌کاررفته در آن از مدلول عادی خود فراتر می‌روند» (حق‌شناس ۱۳۸۶: ۳۲).

در نشانه‌شناسی شعر مقولاتی چون هنجارگریزی، حس‌آمیزی، رمز، نقاب، اسطوره، پارادوکس، و اشتراک عینی، که همگی برپایه دو محور هم‌نشینی و جانشینی ساخته می‌شوند، قابل‌بررسی است. در نشانه‌شناسی رمان نیز که حوزه‌ای جدا و البته بسیار گسترده است، مباحثی چون نشانه‌شناسی لایه‌ای زمان و مکان، زمان‌پریشی، نقاب، و رمزگان روایی گنجانده می‌شوند. در مقاله پیش‌روی، سعی بر آن است تا با تبیین نقاط قوت و ضعف کتاب موردنظر میزان پای‌بندی نویسنده را به مقولات فوق در ضمن تحلیل و بررسی نمونه‌های شعری کتاب موردنقد و ارزیابی قرار گیرد.

۶. بررسی و نقد محتوایی اثر

اهداف اصلی هر کتاب از طریق مفاهیم نهفته در محتوای آن تأمین می‌شود. مهم‌ترین بخش نقد هر کتاب ارزیابی محتوایی آن است که باید متخصصان هر رشته به آن مبادرت ورزند.

یک کتاب در زمینه موضوع مورد نظر باید جامع باشد و هم‌چنین باید تازه‌ترین اطلاعات علمی مربوط به موضوع را در بر داشته باشد. مطالب کتاب باید بتواند سؤال‌های جدید در ذهن مخاطب ایجاد کند و افق‌های تازه‌ای پیش‌روی آنان بگشاید. از همه مهم‌تر باید میان حجم اطلاعات اصلی و حجم اطلاعات جنبی تناسب وجود داشته باشد؛ زیرا گروهی از نویسندگان پرنویس‌اند و با شاخ‌وبرگ دادن مطلب و آوردن شاهد مثال‌ها و توضیحات بیش از اندازه بر حجم اطلاعات جنبی می‌افزایند. گروهی دیگر کم‌نویس و اهل ایجاز و خلاصه‌نویسی‌اند و خواننده را بیش از اندازه به تأمل وامی‌دارند، به طوری که در روند مطالعه وقفه ایجاد می‌کنند (رضی ۱۳۸۸: ۲۲-۲۳).

۱.۶ نقاط قوت اثر

از آن‌جا که نقد، سنجش، و ارزیابی هم‌زمان نقاط قوت و بیان نقاط ضعف و کاستی‌های آثار ادبی است، در این بخش ابتدا به ذکر برخی از ویژگی‌های شاخص این اثر پرداخته می‌شود.

۱.۱.۶ پرداختن به مبحث «نماد»

یکی از مهم‌ترین نقاط قوت اثر حاضر پرداختن به مبحث نماد در فصل‌های مختلف کتاب است. فصل اول با عنوان «آلیات التأویل السیمیائی» (ص ۲۹-۵۲) به آکاوی نمادها و رموزها در نمونه‌های شعری پرداخته است، اما به نظر می‌رسد که تحلیل‌های ارائه‌شده در این فصل بر محوریت نماد و اشارات تلویحی به پارادوکس استوار است. به نمونه ذیل بنگرید:

الکراسی ستلقى بنا للحروب، الکراسی ستغمرنا ... بالسلام ... الکراسی ستغفرنا کالذّوب،
الکراسی - الجحیم، الکراسی الشّفاعه، الکراسی التي کلما جدّ وجد، ستتهتف: موتوا لتتحیا
الشّجاعة، الکراسی التي کم تحبّ الشعوب، الشعوب القناعه، الکراسی التي من دم فوق دم،
الکراسی التي لا تطیق بأن یورق الآن حلم، الکراسی التي لم یکن أصلها شجراً ذات یوم
(رباعه ۲۰۱۱: ۵۲-۵۳).

نویسنده در صفحات ۵۲-۵۹ کتاب به نماد «الکراسی» و تصاویر دوگانه و متناقضی که شاعر از آن ارائه می‌دهد پرداخته است و از این ره‌گذر با بیان دلالت‌های پنهان و البته دوگانه این واژه در متن بعدی انسانی به آن داده است تا بازی مرگ و زندگی ملت‌ها را به زبان شعر به تصویر بکشد. در واقع، الکراسی در این مقطع شعری به

نمادهای دیداری و خوانشی بدل می‌شوند که ویژگی‌های انسانی چون عشق‌ورزیدن، سخن‌گفتن، کشتن، و مردن دارند.

نویسنده در فصل سوم با عنوان «سیمیائیة اللون فی شعر عبدالوهاب البیاتی» (ص ۱۲۱-۱۲۳) به بررسی رنگ‌ها و رمزگشایی از آن‌ها در شعر معاصر دست زده و از این ره‌گذر به لایه‌های زیرین متن شعری نفوذ کرده است تا خوانش جدیدی از سروده‌های بیاتی ارائه دهد:

أرسم صورتها فوق التلج / فیشتعل اللون الأخضر فی عینها / والعسلی الداکن / یدنو فمها
الکرزی الدافی ء من وجهی / تلتحم الأیدی بعناق أبدی / لکن یدا تمتد، فسمح / صورتها
تارکة فوق اللون المقتول بصیصاً من نور لنها مات (رباعه ۲۰۱۱: ۱۲۱).

رباعه در تحلیل قطعه شعری فوق، هم‌چون دیگر قسمت‌های این فصل از کتاب، ناقدی ماهر و موشکاف است که با تیزبینی و دقت فراوان صورت شعری بیاتی در این قطعه را که آمیخته‌ای از چندین رنگ است به‌زیبایی فراروی خواننده قرار می‌دهد تا لذت خوانش وی دوچندان شود. وی معتقد است: این تصویر ناپایدار است؛ زیرا روی برف رسم شده است. البته در ادامه اشاره‌های اندکی به پارادوکس در این تابلوی شعری دارد که بهتر بود برای القای مطلب به مخاطب بیش‌تر به شرح و تفسیرش پردازد.

نویسنده در فصل چهارم با عنوان «فضاء المدینة فی شعر ابراهیم نصرالله» (ص ۱۴۱-۱۶۹) به بررسی دلالت مکان در شعر ابراهیم نصرالله به محوریت «المدینة» در سه قصیده با همین عنوان پرداخته و رمزهایی مانند المدینة، الرجل الأرجوانی و المدینة الفاجرة را مورد موشکافی قرار داده است. البته به‌نظر می‌رسد که در هر سه سروده منتخب از ابراهیم نصرالله، علاوه بر عنوان‌ها، شباهت‌هایی در مضمون نیز وجود دارد. در هر سه قصیده تصویری متناقض و دوگانه از شهر ترسیم شده است که در زمان صلح و آرامش مکانی وسیع، آرام، و دنیایی ایدئال و هم‌چنین در حالت جنگ و جدال جایگاهی تنگ و اندوه‌ناک است. بهتر بود نویسنده کتاب با انتخاب یک قصیده تمرکز بیش‌تری را برای دریافت و درک لایه‌های زیرین متن صرف کند یا قصاید دیگری چون «أزهار عدن» و «أزهار عمان» را از همین شاعر برای بررسی مقایسه‌ای برگزیند.

با بررسی مباحث مطرح‌شده این نکته آشکار می‌شود که نویسنده در بیش‌تر صفحات اثر خویش به رمزگشایی از نمادهای اشخاص، رنگ‌ها، زمان، و مکان دست زده است تا از این ره‌گذر به بیان دلالت‌های مختلف این نمادها در شعر معاصر عربی و نیز رمان مورد بحث

بپردازد. محوریت رمز و نماد در این اثر تا آن‌جاست که اگر این اثر «الرمز السیمیائی» یا «تأویل الرموز» یا مانند آن نام‌گذاری شود، به نظر می‌رسد بیش‌تر با مطالب کتاب هم‌خوانی داشته باشد.

۲.۱.۶ استفاده از اصطلاحات نشانه‌شناسی

نویسنده بعد از مقدمه در بخشی به‌عنوان «إضاءه و تنویر»، که جزء فصل‌های اصلی محسوب نمی‌شود، سعی داشته است به شرح و تبیین مهم‌ترین اصطلاحات مرتبط با نشانه‌شناسی بپردازد تا فهم مباحث نشانه‌شناسی را برای خواننده آسان کند، به‌گونه‌ای که کسی که در حوزه نشانه‌شناسی متخصص نباشد بتواند از مباحث این کتاب بهره‌مند شود؛ مصطلحاتی چون «السیموزیس»، «دلالة التقرير ودلالة الإیحاء»، «التشاكل والتباين»، «الأيقونة»، و «المریع السیمیائی» (ص ۹-۱۶) را تبیین و تشریح کند که این تبیین دقیق اصطلاحات نشانه‌شناسی باعث می‌شود که وقتی مخاطب با هر اصطلاح در ارتباط با متن آشنا شود، فهم موضوع برای او بیش‌تر از زمانی است که بخواهد جدای از متن اصطلاحی برای او تبیین و تعریف شود.

۳.۱.۶ جامعیت منابع و مصادر

ارزش یک اثر پژوهشی به ویژگی‌های منابعی وابسته است که از آن‌ها استفاده شده است. هرچه منابع مورد استفاده اصلی‌تر، به‌روزتر، بیش‌تر، و مرتبط‌تر باشند ارزش پژوهش بالاتر خواهد بود (خاکی ۱۳۹۰: ۳۵۴). یک تحقیق به‌منظور ارائه اطلاعات جدید که فراتر از دانش موجود در زمینه موضوع مورد تحقیق است انجام می‌شود. بنابراین، پژوهش‌گر برای دستیابی به این هدف باید با گستره دانش موجود آشنا باشد و رسیدن به این هدف فقط با مطالعه منابع مربوط به موضوع مورد تحقیق امکان‌پذیر است (دلور ۱۳۸۷: ۷۵).

یکی از نقاط قوت بارز و مشخص این کتاب این است که نویسنده از منابع مربوط به موضوع مورد مطالعه استفاده کرده و آن‌ها را به‌طور کامل ذکر کرده است و در استفاده از منابع تنها به منابع چاپی و عربی بسنده نکرده است، بلکه برای غنی کردن اثر خود از منابع انگلیسی و پایگاه‌های الکترونیکی نیز استفاده کرده است.

از مزایای دیگر کتاب فهرست منابع نهایی در پایان کتاب این است که، با وجود این‌که نویسنده در پایان هر فصل منابع مربوط به آن را ذکر کرده است، به‌طور کامل همه منابع کاربردی در کتاب را نیز در انتها ذکر کرده است. برای حفظ انسجام و یک‌پارچگی کتاب

بہتر بود فہرستی را نیز بہ اصطلاحات خاص در حوزہ نشانہ شناسی، اشکال، و تصاویر اختصاص دہد.

شاید بتوان یکی از ویژگی‌های بارز این کتاب را این دانست کہ بہ آرای دیگران استناد می‌کند و زمانی کہ او بہ نقل آرای دیگران می‌پردازد، منبع منقول را ذکر می‌کند (امانت‌داری در منابع) تا مخاطب بتواند در صورت نیاز بہ آن منبع مراجعہ کند؛ مثلاً در مبحث استعارہ در ص ۶۹ بہ نظر لیکاف و جانسون استناد می‌کند و می‌گوید: «وترتکز الاستعارہ وفق جورج لایکوف ومارک جونسون، علی المشابہة وهذا الطرح یخالف النظرية التقليدية حول الاستعارہ وهی نظرية المقارنة» و ہم چنین استناد بہ کلام عبدالقاهر جرجانی.

۴.۱.۶ استفاده از تصاویر و اشکال

از نقاط قوت کتاب این است کہ در ابتدای ہر فصل مباحثی را برای تعریف موضوع مورد بحث ذکر کردہ است تا در مخاطب انگیزہ‌ای برای دنبال کردن مطالب ایجاد کند و ہم چنین در ہر فصلی از تصاویر و اشکال متناسب با موضوع فصل استفاده کردہ است.

با بررسی دقیق کتاب و اطلاعات موجود در آن، ہم‌خوانی محتوا و سرفصل‌ها مورد تأیید است. از نقاط قوت محتوایی می‌توان بہ استفاده از تصاویر و اشکال متناسب با محتوای مطالب اشارہ کرد کہ این تصاویر و اشکال هدف مند انتخاب شدند و از تناسب مکانی نیز برخوردارند.

۲.۶ کاستی‌ها و ضعف‌ها

۱.۲.۶ عدم مطابقت عنوان با محتوای کتاب

انتخاب موضوع پژوهش اولین مرحلہ در تدوین و اجرای یک اثر علمی است و باید مورد علاقہ پژوهش‌گر باشد. در انتخاب موضوع تحقیق پژوهش‌گر باید توانایی خود را مدنظر قرار دہد و برپایہ آن موضوع را انتخاب کند. توانایی پژوهش‌گر در صورت بندی مسئلہ تحقیق نقش بہ‌سزایی دارد. فردی کہ خود بہ دانش زیربنایی زمینہ مورد پژوهش تسلط کامل ندارد، بہ دشواری می‌تواند حتی بہ بیان موضوع مناسب تحقیق بپردازد و طرح پژوهشی را تدوین و اجرا کند (سرمد و دیگران ۱۳۸۴: ۲۹-۳۱). در انتخاب موضوع تحقیق باید نہایت دقت را بہ کار برد کہ بی‌کم‌وکاست مطلب مورد مطالعہ را شامل شود (ریاحی ۱۳۷۲: ۱۸).

اگر عنوان کتاب را معیاری برای سنجش آن قرار دهیم، عنوان کتاب گسترده‌تر و عام‌تر از محتوای آن است. با دیدن عنوان «آلیات التأویل السیمیائی» انتظار می‌رود که این کتاب همه ابزارهای نشانه‌شناسی (پارادوکس، حس‌آمیزی، نقاب، رمز، اسطوره، دال و مدلول، محور جانشینی و هم‌نشینی) را بررسی کرده باشد، در صورتی که به بررسی بعضی از تکنیک‌های نشانه‌شناسی پرداخته است و ابزارهای دیگری وجود دارد که نویسنده در این اثر به آن‌ها اشاره نکرده است. اگرچه عنوان کتاب بسیار تأمل‌برانگیز است، عنوان مناسبی برای این اثر نیست و نویسنده از عهده چنین عنوان گسترده‌ای برنیامده است؛ چون عنوان اصلی عام است و این عدم تناسب خود از کاستی‌های کتاب محسوب می‌شود.

اصطلاح «تأویل» در نقد نشانه‌شناسی و هرمنوتیکی شایع است و به خوانش‌های متعدد از یک متن باز اشاره دارد و انتظار خواننده کتاب این است که نویسنده محترم برای نمونه‌های شعری انتخابی خوانش‌های گوناگون خود یا دیگران را ارائه دهد که با قاطعیت می‌توان گفت در بخش اعظم کتاب چنین اقدامی نکرده است و تنها یک خوانش از متون ارائه شده مشاهده می‌شود. پس حذف این اصطلاح خدشه‌ای به عنوان وارد نخواهد کرد.

اگر نویسنده واقعاً بر آن بود که به تشریح همه ابزارهای نشانه‌شناسی بپردازد، حجم آن بیش‌تر و اشعار شاعران زیادی در آن بررسی می‌شد. ولی نویسنده در ذیل چنین عنوان بزرگی فقط اشعار چندین شاعر را بررسی کرده است. بنابراین، می‌توان گفت که عنوان پژوهش مسئله‌محور و جزئی بیان نشده است.

۲.۲.۶ ضعف در مقدمه

کتاب حاضر یک مقدمه دارد که کیفیت خوبی ندارد. بر پژوهش‌گران واضح است که مقدمه باید دربردارنده عناصری چون بیان مسئله، اهمیت و ضرورت پژوهش، سؤالات اصلی و فرعی، پیشینه بحث، و روش تحقیق باشد و درصدد پاسخ‌گویی به سؤالاتی باشد تا ذهن مخاطبان را به سوی این موضوع مهم بکشاند، اما در مقدمه کتاب یادشده فقط به ذکر فصل‌بندی به صورت توصیفی اشاره شده است. البته عدم دقت نویسنده در این تقسیم‌بندی فصل‌ها مشهود است، به طوری که ترتیب فصل‌ها در مقدمه با تقسیم‌بندی اصلی کتاب متفاوت است؛ مثلاً در مقدمه بیان شده است که فصل سوم به «سیماء المدینة فی شعر ابراهیم نصرالله» پرداخته است، درحالی که فصل چهارم کتاب محسوب می‌شود.

۳.۲.۶ روش گریزی

به کارگیری روش علمی در تحقیق تنها راه دست‌یابی به دستاوردهای قابل قبول و علمی است؛ بنابراین برای انجام یک پژوهش معتبر به روش‌شناسی نیاز است. روش‌شناسی پژوهش را منظم، منطقی، اصولی، و جست‌وجوی علمی را نیز راه‌بری می‌کند (خاکی ۱۳۹۰: ۲۲۷). با بررسی کتاب به این نتیجه رسیدیم که نویسنده روش خود را بیان نکرده است که این خود خواننده را دچار نوعی سردرگمی می‌کند.

بی‌روشی یا روش‌گریزی در این کتاب مشهود است. از چنین کتابی انتظار می‌رود که انسجام و یک‌پارچگی داشته باشد، ولی کار مؤلف کتاب بیش از این که روش‌مندانه باشد ذوقی بوده است؛ مثلاً گاهی برای یک شاهد مثال چندین صفحه توضیح داده است و گاه شاهدهی در یک یا چند پاراگراف تحلیل شده است. نمونه شعری در صفحه ۱۵۱ در دو صفحه تحلیل شد و نمونه شعری در صفحه ۱۵۳ در یک پاراگراف تحلیل شد. در کار نویسنده برای انتخاب شاعران ملاک و ضابطه‌ای به چشم نمی‌خورد و بیان علت‌گزینش آن‌ها را از نظر دور داشته و برای بعضی از شاعران نمونه‌های زیادی از اشعارشان را آورده است و برای عده‌ای دیگر به آوردن چندین شاهد مثال بسنده کرده است. آنچه بیش از همه مصداقی برای روش‌گریزی در این کتاب محسوب می‌شود، چگونگی تنظیم این کتاب است که بیش‌تر به مقالات شباهت دارد.

شاید بتوان عدم یک‌نواختی را در قلم نویسنده جزء روش‌گریزی حساب کرد. با وجود این که قلم وی تقریباً قابل فهم است، به راحتی می‌توان فهمید که قلم او با فرازونشیب‌هایی نیز همراه است. دلیل این ضعف و کاستی را شاید بتوان در ایجازهای مخمل و اطناب‌های مملی که حاکم بر کتاب است دید و از همه مهم‌تر اختصاص سه فصل اصلی کتاب به شعر و فصل آخر به روایت به نارسایی قلم نویسنده افزوده است.

۴.۲.۶ عدم رعایت توازن میان فصل‌ها

در نقد محتوایی یک اثر علمی یکی از مواردی که مورد توجه ناقدان است تناسب و هماهنگی میان فصل‌هاست؛ بنابراین این اصل نیز در این کتاب مورد بررسی قرار گرفت. هیچ‌گونه نظام‌بندی منطقی در فصل‌های این کتاب به چشم نمی‌خورد؛ زیرا میان تعداد صفحات هر فصل با فصل‌های دیگر تناسب وجود ندارد. برای نمونه، فصل دوم «سیمیائیه الاستعاره» که یکی از مباحث مهم نشانه‌شناسی محسوب می‌شود، پانزده صفحه است و

فصل سوم با عنوان «سیماء اللون فی شعر عبدالوهاب البیاتی» پنجاه صفحه است. از طرفی این که نویسنده دلیلی برای این که فصل‌های کتاب را به یک یا دو شاعر اختصاص داده بیان نکرده است و این خود می‌تواند یکی از معایب بزرگ کتاب محسوب شود که نویسنده در اشعار شاعران چندان پژوهش نکرده است و فصل اول را فقط به بررسی اشعار «امل دنقل» و «ابراهیم نصرالله»، فصل دوم را به بررسی اشعار «محمد القیسی»، فصل سوم را به بررسی اشعار «البیاتی»، فصل چهارم را به بررسی اشعار «ابراهیم نصرالله»، و فصل پنجم را به بررسی روایت «صمت یتمدد» از «سلیمان الشطی» اختصاص داده است. به نظر نویسنده این مقاله، اگر دایره شاعران مورد استفاده بیش‌تر بود، از لحاظ محتوایی کتاب بسیار غنی‌تر و پربارتر می‌شد.

یکی دیگر از نقاط ضعف کتاب این است که در پایان هر فصل هیچ‌گونه جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به چشم نمی‌خورد که این خود باعث آشفتگی اطلاعات در ذهن مخاطب می‌شود.

۵.۲.۶ عدم نظم منطقی در عناوین کلی فصل‌ها

از کاستی‌های کتاب حاضر نداشتن نظم منطقی در عناوین کلی فصل‌هاست. ترتیب و نظم منطقی و دنبال کردن یک اندیشه منظم بهترین مشخصه برای نداشتن تشتت فکری نویسنده است. هرچه این نظم منطقی‌تر و دقیق‌تر باشد، به همان میزان اعتبار یک اثر علمی بیش‌تر می‌شود. نویسنده چهار فصل کتاب را به بررسی نشانه‌شناسی در اشعار و فصل پنجم را به بررسی نشانه‌شناسی در روایت اختصاص داده است و هیچ توجیهی برای این انتخاب خود نیاورده است.

۶.۲.۶ صفحات زیاد و فاقد زیرعنوان

نویسنده فصل اول کتاب را به «آلیات التأویل السیمیائی» اختصاص داده است (ص ۲۱-۵۹). در این تعداد صفحات عنوان اصلی و فرعی که نظر مخاطب را جلب کند دیده نمی‌شود که در چنین فصلی که مهم هم محسوب می‌شود بهتر است چندین عنوان اصلی برای مباحث خود مشخص کند و تحت هر عنوان اصلی عناوین فرعی را بیاورد. هم‌چنین در فصل دوم (ص ۶۵-۷۹) به دسته‌بندی مطالب توجه نکرده است. در فصل چهارم با عنوان «فضاء المدینة فی شعر ابراهیم نصر الله مقاربه سیمیائیة» از (ص ۱۴۱-۱۶۹) هیچ عنوان فرعی به چشم نمی‌خورد.

گفتنی است این اصل در فصل سوم با عنوان «سیمیاء اللون فی الشعر عبد الوهاب البیاتی» به خوبی رعایت شده است و در صفحه ۸۷ عناوین فرعی را که کاملاً مرتبط با عنوان اصلی فصل هستند تحت عنوان «اللون عنوانا»، «سیمیاء الانزیاح اللونی وعالم العالم الطبیعة»، «سیمیاء اللوحة اللونیة»، و «سیمیاء التبادل» مشخص کرده است. در فصل پنجم با عنوان «فضاءات العمل الروائی: صمت یتمدد نموذجا» پنج زیرعنوان مرتبط با عنوان اصلی فصل مشخص شده‌اند.

۷.۲.۶ ایجاز و اطناب نابه‌جا در تحلیل‌ها

بدون شک یکی از بخش‌های لازم و تأثیرگذار در تبیین و تفهیم مطالب شواهدمثال است؛ زیرا این امر سبب تثبیت مطلب در ذهن مخاطب می‌شود. در کتاب حاضر شواهدمثال در جای‌جای کتاب قابل‌رؤیت است که می‌توان گفت در این کتاب نقش محوری را به‌عهده دارند، هرچند که تنوع در این شواهد اندک است؛ دقت در این شواهد که در همه فصل‌های کتاب جاری است، ما را به این نکته رهنمون می‌کند که کم‌بودن تحلیل، شرح بعضی شواهد شعری، زیاده‌گویی، و اطناب در تحلیل شواهد شعری دیگر را می‌توان از کاستی‌های این کتاب دانست. گاهی نیز در نمونه‌هایی که نویسنده گزینش می‌کند به قدری آن‌ها را طولانی می‌آورد که برای خواننده ممل و خسته‌کننده است، بدون این‌که نیازی به این شواهدمثال طولانی باشد.

۷. جایگاه کتاب آلیات التأویل السیمیائی در سرفصل آموزشی و دانشگاهی

دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی در جهت ارتقای کیفیت آموزشی خود باید برنامه هدف‌مندی را برای رشته‌ها و مقاطع مختلف در نظر بگیرند تا توانایی‌های خود را در زمینه آموزش افزایش دهند؛ برنامه‌هایی مانند گسترش کتب آموزشی و آشناکردن فراگیران با آثار ادبی مختلف. از این‌رو، می‌توان گفت کتاب آلیات التأویل السیمیائی می‌تواند در سرفصل‌های کتب دانشگاهی مقطع کارشناسی ارشد به‌عنوان یک منبع کمک‌آموزشی در کنار دروس نقد ادبی و متون نظم و نثر معاصر مفید باشد تا مهارت نقد و تحلیل فراگیران ارتقاء یابد؛ زیرا تخصص‌یافتن دانشجویان در سیستم آموزشی دانشگاه‌ها باید با اعمال کتب کمک آموزشی در کنار کتب اصلی نهادینه شود.

۸. نتیجه‌گیری

اگر عنوان کتاب را معیاری برای سنجش دقت مؤلف قرار دهیم، عنوان این کتاب گسترده‌تر و عام‌تر از محتوای آن است. با دیدن عنوان «آیات التأویل السیمیائی» انتظار می‌رود که نویسنده در این کتاب همه ابزارهای نشانه‌شناسی (پارادوکس، نقاب، اسطوره، حس آمیزی، محور هم‌نشینی و جانمایی، و کدگشایی متن) را بررسی کرده باشد، در صورتی که به بررسی نماد و در صفحاتی معدود حس آمیزی پرداخته است. اگرچه عنوان کتاب بسیار تأمل‌برانگیز است، عنوان مناسبی برای این اثر نیست و نویسنده از عهده چنین عنوان بزرگی بر نیامده است. ضمن این که اصطلاح «تأویل» در نقد نشانه‌شناسی و هرمنوتیکی شایع است و به خوانش‌های متعدد از یک متن باز اشاره دارد و انتظار خواننده کتاب این است که نویسنده محترم برای نمونه‌های شعری انتخابی خوانش‌های گوناگون خود یا دیگران را ارائه دهد که به جرئت می‌توان گفت در بیش‌تر جاهای کتاب چنین اقدامی نکرده است و تنها یک خوانش از متون ارائه شده مشاهده می‌شود. پس حذف این اصطلاح خدشه‌ای به عنوان وارد نخواهد کرد.

با بررسی مباحث مطرح شده در اثر این نکته آشکار می‌گردد که نویسنده در بیش‌تر صفحات اثر خویش به رمزگشایی از نمادهای اشخاص، رنگ‌ها، زمان، و مکان دست زده است تا از این ره‌گذر به بیان دلالت‌های مختلف این نمادها در شعر معاصر عربی و نیز رمان مورد بحث بپردازد. محوریت رمز و نماد در این اثر تا آن جاست که اگر این اثر «الرمز السیمیائی» یا «تأویل الرموز» یا مانند آن نام‌گذاری شود هماهنگی بیش‌تری با محتوای کتاب داشت.

کتاب یادشده از این نظر که پژوهشی در عرصه نشانه‌شناسی است از ارزش والایی برخوردار است، ولی عدم هماهنگی عنوان با محتوای کتاب، بررسی نکردن همه ابزارهای نشانه‌شناسی، و ارائه‌ندادن تعریفی جامع از بعضی مباحث و عدم ذکر تأثیر بافت پیرامونی اشعار و رمان مورد بحث در تبیین دلالت‌های آن از ایرادهای محتوایی وارد بر این کتاب است. پرداختن هم‌زمان به مقوله نقد نشانه‌شناسی در شعر و رمان در این کتاب مانند شمشیری دولبه است که هم می‌تواند از نشانه‌های جامعیت اثر و تسلط نویسنده بر دو موضوع متفاوت باشد و در عین حال سبب شده است که نویسنده در فصل پایانی که به بررسی زمان و مکان و دلالت‌های آن در رمان صمت یتماّد اختصاص دارد در کشف دلالت‌ها و تبیین مقوله زمان‌پریشی و مکان‌پریشی دچار سردرگمی شود.

کتاب آلیات التأویل السیمیائی ... (محسن سیفی و الهام بابلی بهمه) ۱۷۷

باتوجه به نیاز دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی به کتب علمی در حوزه‌های مختلف نقد ادبی از جمله نشانه‌شناسی، تدوین کتاب‌های مشابه آلیات التأویل السیمیائی امری اجتناب‌ناپذیر است، به شرط آن‌که در این آثار از پراکنده‌گویی و ضعف انسجامی دوری شود.

کتاب‌نامه

- اینو، آن و دیگران (۲۰۰۸)، السیمیائیة، الأصول، القواعد، و التاريخ، ترجمه رشیدبن مالک، عمان - الأردن: دار مجدلای للنشر و التوزیع.
- بنکراد، سعید (۲۰۱۲)، السیمیائیات، مفاهیمها و تطبیقاتها، سوریه - اللاذقیة: دار الحوار للنشر و التوزیع.
- حقوق‌شناس، محمدعلی (۱۳۸۶)، «نشانه‌شناسی شعر»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ش ۱۸۳.
- خاکی، غلام‌رضا (۱۳۹۰)، روش تحقیق با رویکرد پایان‌نامه‌نویسی، تهران: بازتاب.
- دلاور، علی (۱۳۸۷)، روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: ویرایش.
- رباعه، موسی (۲۰۱۱)، آلیات التأویل السیمیائی، الكويت: مكتبة آفاق.
- رضی، احمد (۱۳۸۸)، «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی»، سخن سمت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲۱.
- ریاحی، غلام‌حسین (۱۳۷۲)، آشنایی با اصول و روش تحقیق، تهران: اشراقیه.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۲)، نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: قصه.
- سرمد، زهره، عباس بازرگان، و الهه حجازی (۱۳۸۴)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه.
- سعدالله، محمد سالم (۲۰۰۷)، مملكة النص (التحليل السیمیائی للنقد البلاغی، الجرجانی نموذجاً)، عمان - الأردن: عالم الكتب الحديث.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۶۹)، «ضرورت و شیوه نقد کتاب»، آینه پژوهش، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ش ۱.
- شرشار، فاطمه زهره (۲۰۱۷)، تجلیات المنهج السیمیائی فی خطاب النقد الأدبی العربی المعاصر، أطروحة الدكتوراه، الجزائر: جامعة سیدی بلعباس.
- صاد، علی (۱۳۹۲)، روش نقد، قم: هجرت.
- کتاب نقد و نقد کتاب (۱۳۸۶)، تهران: مؤسسه خانه کتاب.
- نادری، عزت‌الله و مریم سیف نراقی (۱۳۷۳)، روش‌های تحقیق و چگونگی ارزش‌یابی آن در علوم انسانی، تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدرا.

